



The University of Tehran Press

The Nature and Concept of Plundering Natural Resources in Armed Conflicts from the Perspective of International Law

Zahra Hassanjanzadeh^{1✉} | Ali Mashhadi² | Mohsen Ghadir³

1. Corresponding Author; Ph.D. Student in International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. Email: z.hassanjanzadeh@gmail.com
2. Associate Prof., Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. Email: droitenviro@gmail.com
3. Assistant Prof., Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. Email: mn.ghadir@gmail.com

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	The phenomenon of the plundering of natural resources in armed conflicts is considered one of the serious current threats to the environment and a danger to peace and security within countries and in the international arena. There has long been a close dependency and connection between natural resources and armed conflicts. This bidirectional relationship has resulted in irreparable damage to natural resources during conflicts, as well as putting human lives at risk. This paper, using a descriptive-analytical approach, aims to outline a desirable perspective in explaining the conceptual scope of the phenomenon of plunder and, by evaluating international law regulations in this area, seeks to find an appropriate model to minimize the damages caused by this phenomenon. In this regard, recent efforts by the International Law Convention to address the issue of plunder in the draft provisions for the protection of the environment in armed conflicts in 2022 are also considered and examined. An analysis of existing rules confirms the reality that, despite the abundance of international regulations in this area, these rules appear to be insufficient in practice and have not provided the necessary legal mechanisms to effectively combat this phenomenon.
Pages: 1677-1709	
Received: 2023/12/23	
Received in Revised form: 2023/10/28	
Accepted: 2023/07/18	
Published online: 2025/09/23	
Keywords: <i>international law, the law of armed conflicts, International Law Commission, the pillage of natural resources.</i>	Hassanjanzadeh, Zahra; Mashhadi, Ali; Ghadir, Mohsen (2025). The Nature and Concept of Plundering Natural Resources in Armed Conflicts from the Perspective of International Law. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 55 (3), 1677-1702. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2023.362502.3358
How To Cite	
DOI	
Publisher	The University of Tehran Press.





ماهیت و مفهوم غارت منابع طبیعی در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بین الملل

زهرا حسن‌جان‌زاده^۱ | علی مشهدی^۲ | محسن قدیر^۳^۱. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: z.hasanjanzadeh@gmail.com^۲. دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: droitenviro@gmail.com^۳. استادیار دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: mn.ghadir@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	پدیده دیرآشنای غارت منابع طبیعی در مخاصمات مسلحانه، یکی از مخاطرات جدی کنونی برای محیط زیست و تهدیدی علیه صلح و امنیت در عرصه داخلی کشورها و سپهر بین المللی محسوب می‌شود. میان منابع طبیعی و مخاصمات مسلحانه از دیرباز وابستگی و ارتباط وثیقی وجود داشته است. این ارتباط دوسویه موجب شده است تا در طول مخاصمات، به منابع طبیعی آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد شود و نیز حیات انسان‌ها به مخاطره افتد. نوشتار حاضر با شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی، درصدد برآمده تا به ترسیم چشم‌اندازی مطلوب در تبیین قلمرو مفهومی پدیده غارت بپردازد و با ارزیابی مقررات حقوق بین الملل در این زمینه تلاش می‌کند تا الگوی مناسب را برای به حداقل رساندن خسارات ناشی از این پدیده بیابد. از این رهگذر، تلاش‌های اخیر کنوانسیون حقوق بین الملل در پرداختن به موضوع غارت در مواد پیش‌نویس حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه در سال ۲۰۲۲ میلادی نیز مورد توجه و بررسی قرار گرفت. بررسی قواعد موجود مؤید این واقعیت است که با وجود کثرت مقررات حقوق بین الملل در این زمینه، اما این قواعد در عمل ناکافی می‌نماید و آنچنان‌که باید و شاید نتوانسته‌اند سازوکارهای حقوقی لازم برای مقابله با این پدیده را ارائه دهند.
صفحات: ۱۶۷۷-۱۷۰۲	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۷	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۸/۰۶	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۲	
تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱	
کلیدواژه‌ها: حقوق بین الملل، حقوق مخاصمات مسلحانه، کمیسیون حقوق بین الملل، غارت منابع طبیعی.	
استناد	حسن‌جان‌زاده، زهرا؛ مشهدی، علی؛ قدیر، محسن (۱۴۰۴). ماهیت و مفهوم غارت منابع طبیعی در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بین الملل. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۵ (۳)، ۱۶۷۷-۱۷۰۲. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2023.362502.3358
DOI	10.22059/JPLSQ.2023.362502.3358
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

جنگ‌ها، تنها جان انسان‌ها را نمی‌گیرند، بلکه محیط زیست و دیگر اموال و اشیای غیرنظامی را نیز به ورطه تخریب و نابودی و غارت می‌افکنند (مرما و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۵). گاه نیز همچون جنگ ویتنام به گونه‌ای پیش می‌روند که به سبب نابودی عمدی محیط زیست به عنوان روشی جنگی (پیری، ۱۴۰۲: ۳۵۰)، از آنها به جنگ‌های زیست محیطی تعبیر می‌شود (قلی‌پور و مهرا، ۱۳۹۹: ۴۸). در این میان، منابع طبیعی مهم‌ترین خاستگاه تولید ثروت و قدرت اقتصادی کشورها محسوب می‌شوند. بسیاری از منابع زیر و روی زمین از جمله نفت و گاز، سنگ‌های قیمتی چون طلا و الماس، حیات وحش، ذخایر گیاهی و جانوری و سایر منابع قابل استخراج می‌توانند جزء منابع طبیعی محسوب شوند (Viko et al., 2021: 225). اما متأسفانه در طول تاریخ، وفور منابع طبیعی برای ساکنان یک منطقه جز بدیمنی جنگ چیزی به همراه نیاورده است. چشم طمع بسیاری از سودجویان در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی به این منابع تولید ثروت و نیروهای محرکه چرخ‌های اقتصادی کشورها دوخته شده و در نهایت یکی از انگیزه‌های مهم وقوع مخاصمات مسلحانه همواره دستیابی به منابع و ثروت‌های طبیعی یک منطقه بوده است. در دهه‌های اخیر نیز میان بروز مخاصمات و منابع طبیعی ارتباط معناداری مشاهده می‌شود؛ به طوری که طبق گزارش رسمی یونپ در سال ۲۰۰۹ میلادی از سال ۱۹۹۰ تا تاریخ گزارش، آتش دست‌کم هجده مخاصمه شدید بر سر بهره‌برداری از منابع طبیعی شعله‌ور شده است (UNEP, 2009: 8).^۱ در سال‌های اخیر نیز غارت منابع طبیعی کشور سوریه، یکی از مصادیق بارز این پدیده نامیمون در نتیجه درگیری‌های مسلحانه است (مؤمنی راد، ۱۳۹۵: ۵۶۰).

مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی با تزاید چشمگیر خود در دهه‌ها و سال‌های اخیر (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۹۳: ۱۵)، وارد گود غارت منابع طبیعی شده‌اند. به همین سبب است که گفته می‌شود تعداد مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی بر سر منابع طبیعی نیز طی دهه‌های اخیر رشد زیادی را تجربه کرده است. بر اساس پژوهشی، در فاصله میان سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۸ میلادی از ۲۹ تا ۵۷ درصد مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، ارتباط نزدیکی با منابع طبیعی ارزشمند داشتند (Stahn, 2017: 143). تنها طی سی سال گذشته مخاصماتی که با منابع طبیعی مرتبط بودند، به مرگ میلیون‌ها نفر و آواره شدن و جابجایی انسانی ده‌ها میلیون تن دیگر منجر شدند. در جایی چون کنگو که الوار، الماس و دیگر فلزات گرانبها، تأمین سوخت آتش مخاصمه مسلحانه داخلی را بر عهده داشتند، تعداد تقریبی ۳ تا ۵ میلیون نفر از سال ۱۹۹۳ در نتیجه جنگ و مخاصمه درگذشتند. در آنگولا که صادرات الماس تأمین‌کننده هزینه‌های شورش و ناآرامی‌های داخلی طی سی سال بود، پانصد هزار آنگولایی به خارج پناه بردند، یک و نیم

۱. نگارندگان این مقاله برای پس از این تاریخ نتوانستند آمار دقیقی بیابند.

میلیون نفر کشته شدند و بیش از چهار میلیون نفر در درون مرزهای کشور ناگزیر به جابه‌جایی شدند. مخاصمات سیرالتون که همواره تداعی‌کننده الماس‌های خونین است، پنجاه هزار نفر کشته و میلیون‌ها نفر ناگزیر به مهاجرت داخلی یا خارجی شدند (Lundberg, 2008: 498). البته موضوع مخاصمات مسلحانه داخلی و نقش کلیدی منابع طبیعی در شعله‌ور شدن و تداوم آن، همواره در گفتمان اصلی حقوق بین‌الملل مغفول مانده است. برای این امر، افزون بر پیشرفت اندک حقوق مخاصمات غیربین‌المللی (کولب و هاید، ۱۳۹۴: ۴۰۰)، دلایل تاریخی و بنیادین در حقوق بین‌الملل قابل طرح است. از لحاظ تاریخی می‌توان توجیه غارت به‌عنوان استحصال منابع طبیعی در دوران استعمار توسط استعمارگران را مطرح کرد و از لحاظ نظری می‌توان مسئله حق حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی خود را ذکر کرد (Okowa, 2013: 33). اگرچه اصول حقوق بین‌الملل، چون اصل حاکمیت و اصل تعیین سرنوشت، دولت‌ها را مالکان منابع طبیعی در درون سرزمین خود می‌دانند و می‌توان آنها را متصدیان اصلی اداره این منابع و بهره‌برداری از آن دانست، اما اسناد بین‌المللی چون قطعنامه‌های مجمع عمومی به حقوق مردمان ساکن در این سرزمین‌ها اشاره کرده و برخی از حقوق و تکالیف دولت‌ها را در این زمینه یادآور شده‌اند (A_RES_1803(XVII), 1962: 2) (A_RES_1314(XIII), 1958:27).

موضوع غارت منابع طبیعی در مباحث مربوط به مخاصمات مسلحانه پدیده‌ای جدید نیست و از زمان وقوع نزاع و درگیری میان کشورها کم و بیش وجود داشته است، اما جرم‌انگاری آن تنها به سده نوزدهم میلادی و پس از تدوین حقوق بین‌الملل بشردوستانه برمی‌گردد. از این‌رو متأسفانه در ادبیات حقوقی بین‌المللی تنها به‌صورتی محدود و در سال‌های اخیر شاهد پرداختن به آن هستیم. در این زمینه به‌ویژه در نوشتار فارسی خلأ علمی محسوسی قابل مشاهده است و تنها می‌توان به آثار محدودی از جمله مقاله احمد مؤمنی راد و ناصر خداپرست (۱۳۹۵) با عنوان «تصرف منابع فسیلی از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه» فصلنامه تحقیقات حقوق عمومی اشاره کرد که به تصاحب منابع فسیلی در موقعیت اشغال یک سرزمین پرداخته و حق تصرف منابع نفت و گاز سرزمین‌های اشغالی را از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه و قوانین بین‌المللی مربوط به اشغال بررسی کرده است. محمدرضا حسینی (۱۳۹۷) در مقاله «مکانیزم مقابله با منابع مالی گروه‌های تروریستی در پرتو اسناد حقوق بین‌الملل» منتشرشده در فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی به‌طور موردی به موضوع داعش و تأمین مالی آن پرداخته و اسناد بین‌المللی مرتبط با منابع مالی این گروه تروریستی را بررسی کرده است. دو نویسنده دیگر از جمله پوریا عسکری (۱۴۰۱) در «حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه از دیدگاه کمیسیون حقوق بین‌الملل و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ» مجله حقوقی بین‌المللی و حیدر پیری (۱۴۰۲) در «شرط مارتنس و حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه: با تأکید بر اصول پیش‌نویس ۲۰۱۹ کمیسیون حقوق بین‌الملل» تحقیقات حقوقی نیز با آنکه به بررسی مواد پیش‌نویس

کمیسیون در حمایت از محیط زیست پرداخته‌اند، اما اشاره‌ای به موضوع غارت منابع طبیعی در اثر خود نداشته‌اند. از این رو می‌توان گفت نوشتار حاضر در این زمینه موضوعی کاملاً جدید است و آثار فارسی چندی در باب آن نمی‌توان یافت. اما آثار انگلیسی منتشرشده در زمینه غارت منابع طبیعی در مخاصمات مسلحانه تعداد فراوانی هستند. از جمله مهم‌ترین، مرتبط‌ترین و جدیدترین این آثار می‌توان به گزارش‌های سال ۲۰۰۹ برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (یونپ) در زمینه «ارتباط میان منابع طبیعی و بروز مخاصمات» اشاره کرد که خود مبنای اطلاعات صحیح و گزارش‌های گزارشگران ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه غارت منابع طبیعی و تدوین مقررات مربوط به آن قرار گرفت. جیمز جی استیوارت^۱ (۲۰۱۱) در کتاب خود با نام جنایات جنگی شرکت‌ها و تعقیب جرائم مربوط به غارت منابع طبیعی به طور مبسوطی به مفهوم غارت و واژگان مترادف آن پرداخته و قواعد بین‌المللی مرتبط با آن را برشمرده است، اگرچه تأکید آن بیشتر بر جرائم مربوط به شرکت‌ها و نمایندگان آنها بوده است. همچنین خانم دنیل دم دیانگ^۲ (۲۰۱۵) در کتاب حقوق بین‌الملل و اداره منابع طبیعی در شرایط مخاصمه و پس از مخاصمه مباحث قابل توجهی دارد. نویسنده به بازیگران اصلی مخاصمات مسلحانه مرتبط با منابع طبیعی اشاره کرده و نقش هریک را به طور مختصر موردنظر قرار داده است. در این کتاب همچنین توضیح مبسوطی در زمینه حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی توسط حاکمیت و مردم ارائه شده است. نهادهای عهده‌دار حمایت از منابع طبیعی در مخاصمات مسلحانه دیگر موردی است که در کتاب مذکور به طور دقیق بررسی شده است. کارستن استان^۳ و همکاران (۲۰۱۷) نیز در کتاب حمایت از محیط زیست و گذار از مخاصمه به صلح با اشاره به مواد پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در حمایت از محیط زیست، به موضوع حمایت از محیط زیست در برابر غارت نیز پرداخته و خلأها و چالش‌های موجود در راه حمایت از محیط زیست و منابع طبیعی را بررسی کرده است.

یکی از تلاش‌های اخیر جامعه بین‌المللی برای اعلام ممنوعیت غارت و پیشگیری از آثار سوء آن را می‌توان در پیش‌نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در حمایت از محیط زیست پیش از مخاصمه مسلحانه، حین آن و پس از آن و گزارش‌های گزارشگرهای ویژه کمیسیون و نیز تفسیر این مواد مشاهده کرد. این پیش‌نویس که پیشنهاد ایجاد کارگروه و تهیه آن در سال ۲۰۱۱ میلادی در کمیسیون حقوق بین‌الملل مطرح شد، در سال ۲۰۱۳ به طور رسمی در دستور کار کمیسیون قرار گرفت (عسکری، ۱۴۰۱: ۱۴۳-۱۴۲) و در سال ۲۰۲۲ میلادی نسخه نهایی آن به ثمر رسید. کمیسیون هدف از گنجاندن این اصل در اصول پیش‌نویس را بازخوانی ممنوعیت پدیده غارت و نیز تعمیم این ممنوعیت به موضوع غارت

1. James G. Stewart
2. Daniella Dam-De Jong
3. Carsten Stahn

منابع طبیعی ذکر کرده است (ILC, 2022: Commentary of Principle 16: 149).

پژوهش حاضر با ادبیاتی ساده درصدد برآمده تا در کنار پاسخ به پرسش اصلی چستی مفهوم و ماهیت غارت منابع طبیعی در مخاصمات مسلحانه در حقوق بین‌الملل به پرسش فرعی کارایی یا ناکارایی قواعد موجود در این زمینه نیز پاسخگو باشد. همچنین تلاش می‌شود با ارائه اطلاعات صحیح در زمینه غارت در حقوق بین‌الملل و رژیم‌های حقوقی مرتبط با آن از جمله حقوق بشردوستانه، حقوق بشر، حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق محیط زیست، خلأ و فقر علمی موجود در ادبیات حقوقی فارسی در زمینه ماهیت و مفهوم جرم غارت پوشش داده شود. باید خاطرنشان کرد یکی از اهداف مهم پژوهش حاضر، آگاهی بخشی کافی به دست‌اندرکاران و تصمیم‌گیرندگان برای کسب دانش و مهارت کافی و درک، پیش‌بینی، پیشگیری و کاهش خطرهای بالقوه بروز مخاصمه و منازعه بر سر منابع طبیعی است. در همین زمینه تلاش خواهد شد با به‌کارگیری شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و بیان مختصری از قضایای مطرح‌شده و آرای اتخاذشده در مراجع بین‌المللی همچون دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان کیفری بین‌المللی، به تعیین قلمرو مفهومی جرم غارت در اصطلاح و در حقوق بین‌الملل پرداخته شود. در ادامه موضوع حاکمیت منابع طبیعی از منظر حقوق بین‌الملل بررسی خواهد شد و نیز به تأثیر و تأثر منابع طبیعی و مخاصمات مسلحانه بر یکدیگر نگاهی اجمالی خواهیم داشت؛ سپس به پایش سازوکارهای حقوقی بین‌المللی مقابله با غارت، از جمله قواعد و مقررات بین‌المللی پرداخته می‌شود و رویکرد نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در این زمینه تحلیل و ارزیابی خواهد شد و در نهایت ارزیابی مختصری در زمینه قواعد و مقررات موجود و کارایی یا ناکارایی این مقررات انجام خواهد گرفت.

۲. قلمرو مفهومی جرم غارت

غارت منابع طبیعی بخشی از محتوای گسترده‌تر بهره‌برداری غیرقانونی از منابع است که در مناطق مورد مخاصمه مسلحانه در شرایط مخاصمه و پس از آن روی می‌دهد. فرهنگ واژگان حقوقی بلک «غارت» را «قبض اجباری اموال شخصی توسط ارتش متجاوز یا فاتح از رعایای دشمن» تعریف می‌کند. «غارت» را می‌توان تصاحب غیرقانونی اموال خصوصی منقول غیرنظامیان تحت حمایت یا اموال عمومی متعلق به قلمرو دشمن در سرزمین‌های اشغالی تعریف کرد (Sassoli, 2019: 293-294). اصطلاح «غارت»، مفهومی به نسبت گسترده را در برمی‌گیرد؛ این مفهوم را می‌توان به هر نوع تصاحب اموال مشمول نقض حقوق مخاصمات مسلحانه نسبت داد. برای تحقق جرم غارت استفاده از زور یا خشونت ملاک نیست، بلکه تنها عدم رضایت ضمنی یا صریح مالک برای تحقق این جرم کافی است. ذیل تفسیر (کامتری) ماده ۱۵ کنوانسیون اول ژنو در مورد بهبود افراد آسیب‌دیده در مخاصمات مسلحانه توسط سازمان صلیب سرخ جهانی، هر دو نوع غارت سازماندهی شده و اعمال انفرادی صورت‌پذیرفته توسط افراد غیرنظامی یا کارکنان

نظامی مشمول تعریف جرم غارت قرار گرفته‌اند (Geneva Convention I, Commentary of 2016 art.15). البته حقوق مخاصمات مسلحانه در برخی موارد استثنایی، تصاحب یا تخریب اموال را مجاز شمرده است. از این رو لازم است تا میان تصرف غیرقانونی برخی اموال مشمول جرم غارت و تصاحب اموال که بر اساس حقوق بشردوستانه بین‌المللی منع قانونی برای آن تعیین نشده است، تفاوت قائل شویم. نخست آنکه در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی تصاحب هرگونه اموال منقول متعلق به دشمن به‌عنوان غنائم جنگی شناسایی شده است. تمامی اموال منقول عمومی قابل به‌کارگیری در عملیات نظامی دشمن مانند اسلحه و مهمات، غنائم جنگی محسوب می‌شوند. در صورتی که این اموال برای استفاده شخصی تصاحب شوند، ممکن است عمل انجام‌شده مشمول جرم غارت قرار گیرد (Geneva Convention I, Commentary of art.15, 2016). دوم، مواردی از تصاحب قانونی اموال مشخص شده‌اند که برگرفته از بند «ز» ماده ۲۳ مقررات ۱۹۰۷ لاهه هستند. در این ماده برخی موارد تصاحب اموال دشمن در ضرورت‌های جنگی مجاز شمرده شده است (Geneva Convention (IV), 1949, art.23(g)). غیر از موارد استثنایی یادشده، سایر موارد تصرف اموال بدون رضایت مالک به‌منزله غارت است.

در حقوق مدرن جرم «غارت»^۱، با تصرف اموال در جریان یک مخاصمه و با هدف سلب مالکیت و استفاده شخصی یا خصوصی از مال، تحت شرایط مقتضی محقق می‌شود (Keenan, 2014: 527). در ادبیات حقوق بین‌الملل نمی‌توان عبارت ثابتی برای «تملک غیرقانونی اموال (از جمله منابع طبیعی)» یافت؛ چنانچه دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو از واژگانی چون «تاراج»^۲، «چپاول»^۳ و «استثمار یا بهره‌برداری بی‌رویه»^۴ نام برده است (Congo v. Uganda, Judgment, I.C.J. Reports 2005, p.88). اساسنامه دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق نیز در بند «ه» ماده ۳ عبارت «چپاول» را به‌کار برده است (The Statute of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, 1993, Art. 3(e)). در منشور آفریقایی نیز از عبارت «یغماگری»^۵ استفاده شده است (African Charter on Human and Peoples' Rights, 1981, Art. 21, Para. 2). در تعداد پرشماری از منابع حقوق بین‌الملل بشردوستانه و در اصطلاح عامیانه نیز واژگانی چون «غارت»، «یغما»، «چپاول» و «تاراج» در یک معنا و به‌جای یکدیگر به‌کار می‌روند. نظریه‌پردازانی چون هوگو گروسیوس^۶ نیز طی قرن‌ها این عبارات را در معنای یکدیگر به‌کار برده‌اند.

1. Pillage
2. looting
3. plundering
4. exploitation
5. spoliation
6. Hugo Grotius

کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز در متن پیش‌نویس اصول حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه به تبعیت از موارد یادشده در کنوانسیون‌های ژنو همان واژه «غارت» را برگزید (ILC, 2022: Principle 16). کمیسیون در تفسیر اصول پیش‌نویس بر این موضوع صحنه می‌گذارد و هدف کلیدی اصل ۱۶ را بازخوانی ممنوعیت غارت برمی‌شمرد که این خود می‌تواند گواهی بر علت‌گزینش واژه غارت باشد (ILC, 2022: Commentary of Principle 16: 149).

غارت خود بخشی از مفهوم گسترده‌تر بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی است که در شرایط مخاصمات مسلحانه و وضعیت‌های پس از مخاصمه روی می‌دهد. شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد در این زمینه توجه خود را به ارتباط میان شبکه‌های جنایی فراملی و گروه‌های تروریستی با مخاصمات مسلحانه از جمله در زمینه تجارت غیرقانونی این منابع معطوف کرده‌اند. عبارت «بهره‌برداری غیرقانونی منابع طبیعی» که در برخی قطعنامه‌های شورای امنیت از جمله قطعنامه در خصوص بهره‌برداری غیرقانونی منابع طبیعی جمهوری دموکراتیک کنگو بیان شده است، مقوله‌ای کلی است که ممکن است اعمال دولت‌ها، گروه‌های نظامی غیردولتی یا سایر بازیگران غیردولتی شامل افراد خصوصی را نیز دربرگیرد (S/RES/1457, 2003). از این رو این مقوله می‌تواند به نقض مقررات حقوق بین‌الملل یا حقوق ملی اشاره داشته باشد. اگرچه «بهره‌برداری بی‌رویه منابع طبیعی» تا حدی با مفهوم غارت همپوشانی دارد، در بسیاری از ابزارهای قانونی توصیف دقیقی در مورد آن وجود ندارد و ممکن است چه حین یک مخاصمه مسلحانه و چه در زمان صلح، یک جرم محیط زیستی تلقی نشود (ILC Draft Principles with Commentaries, 2022: Principle 16).

۲.۱. مفهوم غارت منابع طبیعی در حقوق بین‌الملل

طبق تعریف برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (یونپ)، منابع طبیعی منشأ اصلی خلق ثروت به صورت بالقوه یا بالفعل هستند که در شرایط طبیعی ایجاد می‌شوند. از جمله منابع طبیعی می‌توان از چوب و الوار، آب، زمین‌های حاصلخیز، حیات وحش، مواد معدنی، سنگ‌ها و هیدروکربن‌ها را نام برد. یک منبع طبیعی را در صورتی می‌توان تجدیدپذیر دانست که روند تجدید و احیای آن به شیوه‌های طبیعی به نسبت روند مصرف آن توسط انسان‌ها یا سایر استفاده‌کنندگان نرخی منطقی داشته باشد. منابع طبیعی تجدیدناپذیر نیز آن دسته از منابع هستند که به نسبت زمان مصرف، زمان منطقی برای احیا و تجدید آن وجود نداشته باشد. منابع مخاصمه نیز آن دسته از منابع طبیعی‌اند که بهره‌برداری و تجارت نظام‌مند آنها در مخاصمه موجب کمک، نفع‌رسانی یا منجر به ارتکاب نقض‌های شدید حقوق بشری، نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی یا نقض‌هایی برابر با جنایات احصاشده در حقوق بین‌الملل می‌شود (UNEP, 2009: 7).

در حقوق بین‌الملل، غارت نقض آشکار قواعد مخاصمات مسلحانه و جزء جنایات جنگی محسوب

می‌شود. اگرچه در جرم‌انگاری غارت در حقوق بین‌الملل شاهد پیشرفت‌های روزافزونی بوده‌ایم، اما تا اواخر سده بیستم میلادی و پیش از ذکر جرم غارت ذیل جنایات جنگی در ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، در عمل و دست‌کم از لحاظ تعقیب جرائم، شاهد توصیفی دقیق از این جرم در اسناد بین‌المللی نبوده‌ایم (ICC Statute, 2002, Art. 8). تا آن زمان، غارت اغلب تصاحب اموال بدون رضایت مالک تعریف می‌شد که به‌طور معمول مشمول استثنائات مندرج در مقررات لاهه بود. ممنوعیت غارت در تعریف سنتی آن هم تصرف اموال عمومی و هم خصوصی را شامل می‌شد؛ این ممنوعیت‌ها در خصوص منابع طبیعی هم استخراج منابع طبیعی و هم حقوق مربوط به این منابع از جمله حق امتیاز را شامل می‌شد. دیوان کیفری بین‌المللی خطوط مشخص‌تری برای جرم غارت تعیین کرد. بر اساس آنچه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) اجزای تشکیل‌دهنده جرم می‌شمرد (ICC Statute, 2002, Arts. 6,7,8,9)، می‌توان اجزای تشکیل‌دهنده جرم غارت را شامل تصاحب مالی معین توسط مرتکب، وجود قصد برای خلع ید مالک و تملک مال برای استفاده خصوصی یا شخصی، تصاحب مال بدون رضایت مالک و مطلع بودن مرتکب از اوضاع و احوال واقعی که وجود یک مخاصمه مسلحانه را ثابت می‌کند، برشمرد. همچنین باید این رفتار در چارچوب یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی یا مخاصمه مسلحانه‌ای با ماهیت غیر بین‌المللی صورت پذیرفته باشد. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در تعیین اجزای تشکیل‌دهنده جرم تفاوتی میان مرتکبان (اعم از مبارز یا غیرنظامی بودن) یا انواع مال (اموال عمومی یا خصوصی) قائل نمی‌شود. مطابق جزء اول تشکیل‌دهنده جرم غارت، تصاحب مال می‌تواند حتی مواردی چون به‌دست گرفتن کنترل را نیز در برگیرد (Stahn et al., 2017:149).

کنوانسیون چهارم ژنو به ممنوعیت مطلق جرم غارت هم در درون مرزهای یکی از طرفین مخاصمه و هم در مناطق اشغالی اشاره کرده است (Geneva Convention (IV), 1949: Art.33). ذیل تفسیر این ماده ذکر شده است «با اینکه هدف این کنوانسیون حمایت از افراد انسانی است، اما همچنین تمهیداتی را نیز برای حفاظت از اموال و کاهش درد و آلام انسان‌ها به‌دلیل تخریب اموالشان اندیشیده است». ممنوعیت اشاره‌شده در این ماده دامنه‌ای گسترده دارد. نه تنها اعمال ارتكابی فردی بدون رضایت آمر نظامی ممنوع شده‌اند، بلکه غارت سازماندهی‌شده را که در جنگ‌های پیشین تاریخ و دوران پرداخت حقوق سربازان از غنائم جنگی پیامدهای زیانباری داشتند نیز در برمی‌گیرد. بند ۲ ماده ۳۳ به‌طور مختصر و واضح هرگونه غارت را ممنوع اعلام کرده است. طبق تفسیر (کامنتری) ذیل ماده ۳۳ طرفین درگیر در مخاصمه به ممانعت از غارت و در صورت شروع مخاصمه توقف این جرم ملزم‌اند. در نهایت طرفین الزام دارند تا تمامی گام‌های قانونی مؤثر را بردارند. همچنین ممنوعیت غارت در سرزمین‌های درگیر مخاصمه و سرزمین‌های تحت اشغال قابل اعمال است. تفسیر این ماده تمامی اموال از جمله اموال متعلق به افراد خصوصی، جامعه یا دولت را مشمول جرم غارت می‌داند، اما حق تصرف یا تصاحب را بدون توضیح رها

می‌کند (Geneva Convention (IV), Commentary of 1958: Art.33). تفسیر سازمان صلیب سرخ جهانی در پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو نیز بر این مسئله تأکید ورزیده است و با به کار بردن عباراتی چون «در هر زمان و مکان» این ممنوعیت عمومی را در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی نیز تأیید ضمنی می‌کند (Additional Protocol II, Art. 4, Para. 2 (g), 1977). اما همچنان اشاره دقیقی به ممنوعیت غارت منابع طبیعی مشاهده نمی‌شود. ممنوعیت غارت منابع طبیعی را در رأی فعالیت‌های نظامی دیوان بین‌المللی دادگستری نیز می‌توان یافت که اوگاندا برای اعمالی چون تاراج، چپاول و استفاده بی‌رویه منابع طبیعی ارتكابی توسط اعضای نیروهای مسلح این کشور در قلمرو جمهوری دموکراتیک کنگو، از لحاظ بین‌المللی مسئول شناخته شد (Congo v. Uganda Judgment, ICJ Reports, 2005: 253, Para. 250).

این ممنوعیت به تدریج در ادبیات حقوق داخلی کشورها و دستورالعمل‌های نظامی نیز وارد شده است. از دوره پس از جنگ جهانی دوم تا به حال نیز تعداد زیادی از قوانین موضوعه و دادگاه‌های کیفری بین‌المللی در تأیید ماهیت جنایی غارت قابل مشاهده است. چنانکه پیشتر نیز اشاره شد، جنایت غارت ذیل اساس‌نامه رم نیز هم در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و هم غیربین‌المللی قابل تعقیب است. در هر دو نوع مخاصمه یادشده ممنوعیت غارت به صورت یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی درآمده است (ILC Principles Commentary, 2022: Principle 16).

۳. مالکیت منابع طبیعی در حقوق بین‌الملل

اصطلاح «حاکمیت دولت‌ها» قرن‌ها پیش وجود داشته است و مفهوم چندان مدرنی نیست، اما بحث حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی از مباحث جدید حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود (Tyagi, 2015: 590). بدیهی است اصلی‌ترین اعضای جامعه بین‌المللی و تابعان اصلی حقوق بین‌الملل دولت‌ها هستند و طبق اصول اولیه حقوق بین‌الملل چون اصل حاکمیت^۱ و اصل تعیین سرنوشت^۲، این دولت‌ها هستند که نسبت به منابع موجود در درون مرزهای خود حق حاکمیت و بهره‌برداری دارند و دارای اختیار اداره امور خود هستند. اگرچه طبق حقوق بین‌الملل نمی‌توان تعریفی جامع از دولت ارائه داد، اما کنوانسیون مونتویدئو مؤلفه‌های اصلی موجودیت یک دولت را چهار عنصر جمعیت دائمی، سرزمین معین، حکومت و صلاحیت ایجاد روابط بین‌المللی با سایر دولت‌ها می‌داند (Montevideo Convention, 1933: Art. I). به تعبیری، بر اساس مقررات و قواعد حقوق بین‌الملل، دولت را می‌توان نهادی دانست که از سرزمین معین و جمعیتی دائمی

1. The Principle of Sovereignty
2. The Principle of Self Determination

برخوردار است و تحت نظارت حکومتی است که توانایی برقراری ارتباط با سایر نهادها را دارد، اگرچه در حقوق بین‌الملل نمی‌توان اتفاق نظر جامعی در مورد حدود و کیفیات این عناصر یافت. منشور سازمان ملل متحد حق تعیین سرنوشت را برای همهٔ مردم قائل است؛ اما نه تعریف دقیقی برای واژهٔ «مردم» ارائه می‌دهد و نه در خصوص چگونگی اعمال این حق سخنی به میان می‌آورد (Charter of the UN, 1945: Art. 1, 55). نظریات کمیتهٔ بادینتر^۱ نیز این حق را برای مردم می‌شمارد؛ اما به نقش «مردم» به عنوان ذی‌نفعان اصلی این حق نگاهی گسترده‌تر دارد و معتقد است «حقوق بین‌الملل در شرایط روبه‌رشد کنونی هنوز به تمامی جوانب اصل حق تعیین سرنوشت نپرداخته است». این کمیته همزمان حق تعیین سرنوشت را متعلق به تمامی اقشار یک جامعه می‌داند (Pellet, 1992:179).

با جمع دو اصل حاکمیت که توسط دولت اعمال می‌شود و حق تعیین سرنوشت که متعلق به همهٔ مردم است، می‌توان یادآور شد که اصل حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی یکی از حقوق بنیادین دولت‌ها و نیز ملت‌ها محسوب می‌شود. همچنین از مفهوم نوین حاکمیت می‌توان توانایی یک دولت بر اعمال سلطه بر سرزمین خود و دارا بودن نمایندگی از طرف مردم آن سرزمین نزد جامعهٔ بین‌المللی را نیز مستفاد کرد (میرعباسی و اقبالی، ۱۴۰۲: ۵۶۵). اگرچه حقوق و تکالیف مربوط به اصل حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی چندان آشکار نیست، اما برخی از این حقوق و تکالیف در حقوق بین‌الملل کم‌وبیش شناسایی شده‌اند (Tyagi, 2015: 588). قطعنامهٔ سال ۱۹۵۸ مجمع عمومی ملل متحد بر حق مردم و ملت‌ها بر تعیین سرنوشت تأکید دارد و حق دولت‌ها و مردمان بر استخراج و استفادهٔ آزادانه از منابع زیستی خود را به رسمیت می‌شناسد (A_RES_1314(XIII), 1958:27). قطعنامهٔ سال ۱۹۶۲ مجمع عمومی نیز با تأکید مجدد بر اصل حاکمیت دائمی دولت‌ها بر ثروت‌ها و منابع طبیعی خود، بر اعمال آن به منظور توسعه و بهبود معیشت مردم ساکن آن کشورها تصریح کرده است (A_RES_1803(XVII), 1962: 2).

پس از قطعنامه‌های مزبور، حق مربوطه در دو حالت جلوه می‌کند؛ نخست در قالب اصل حاکمیت دائمی دول و ملل بر منابع طبیعی و اعمال حق ذی‌ربط برای توسعهٔ ملی و رفاه مردم (اعلامیهٔ ۱۹۶۲ حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی) و دوم در چارچوب حق تعیین سرنوشت مقرر در میثاقین ۱۹۶۶ (International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1966: Art.1). این حق و اصل در معاهدات حقوق بین‌الملل محیط زیست گنجانده شده، در رویهٔ عملی شورای امنیت شناسایی شده و توسط دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی به‌شمار آمده است. هرچند این اصل و حق در ابتدا صرفاً جنبه‌ی بین‌المللی داشت، ولی با گذشت زمان وجه داخلی نیز پیدا کرد و سخن از مردم به‌عنوان تابعین و ذی‌نفعان آن به میان آمد. اهمیت این امر در آنجاست که در صورت اقدام گروه‌های مسلح

1. Badinter Committee

موردنظر در این مبحث به نمایندگی از مردم و در قالب یک حکومت، بحث استحقاق یا عدم استحقاق آنها در استخراج و استفاده از منابع طبیعی و زیستی مطرح می‌شود.

در بالا اشاره شد که اعلامیه سال ۱۹۶۲ در خصوص حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی، به حق مردمان و ملل در حاکمیت دائمی بر منابع و دارایی‌های طبیعی خود می‌پردازد و بیان شد که اعمال این حق، مشروط به انجام این کار در راستای توسعه ملی و رفاه مردم دولت مورد بحث است. جایگاه محوری مردم در رابطه با مالکیت بر منابع طبیعی در ماده (۲) هر دو میثاق سال ۱۹۶۶ تأیید شده که متضمن مؤلفه اقتصادی حق تعیین سرنوشت است. این حق با مؤلفه سیاسی حق تعیین سرنوشت دایر بر استحقاق مردم برای انتخاب نظام سیاسی خویش و پیگیری توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود، پیوندی ناگسستنی دارد. هر دو میثاق تأکید دارند که مردمان، در کنار و افزون بر دولت‌ها، تابعان حق اعمال کنترل بر منابع طبیعی عمومی‌اند، درحالی‌که اعلامیه ۱۹۶۲ آنان را ذی‌نفعان حق ذی‌ربط می‌داند.

مفهوم مردم‌محور منابع طبیعی در اسناد حقوقی و سیاسی مختلفی در زمینه سهم منابع طبیعی و زیستی در تأمین مالی مخاصمات مسلحانه مطرح نظر قرار گرفته است که از جمله آنها می‌توان به قطعنامه‌های شورای امنیت (قطعنامه سال ۲۰۰۳ در خصوص جمهوری دموکراتیک کنگو و قطعنامه‌ای در همان سال راجع به لیبیا)، موافقت‌نامه‌های صلح (ماده ۷ موافقت‌نامه صلح میان سیرالئون و جبهه متحد انقلابی) و معاهدات منطقه‌ای (ماده ۳ پروتکل منطقه دریاچه‌های بزرگ علیه استخراج غیرقانونی منابع طبیعی به سال ۲۰۰۶) اشاره کرد. فصل مشترک همه این اسناد، تأکید ویژه بر به‌کارگیری انحصاری منابع زیستی و طبیعی به نفع و برای مردم است. همچنین خاطرنشان می‌شود که هرچند قطعنامه‌های شورای امنیت بر تعلق منابع زیستی و طبیعی به مردم پای می‌فشارند، ولی از دیگر سوی تأکید دارند که مدیریت این منابع تنها می‌تواند توسط یک دولت قانونی صورت پذیرد. بر این اساس، صرف شناسایی یک گروه مسلح معارض به‌عنوان نماینده مردم یک کشور متضمن حق آن گروه برای استخراج و استفاده از منابع طبیعی و زیستی آن کشور نیست. اگرچه مالکان و صاحبان منابع ذی‌ربط مردم هستند، ولی این دولت و به بیان بهتر دولت قانونی و مستقر و موجود است که باید از جانب و برای آنها به اعمال حق استخراج و استفاده از منابع یادشده دست یازد.

۴. تأثیر متقابل منابع طبیعی و مخاصمات مسلحانه

پیوند متقابل میان مخاصمات و منابع طبیعی در دهه‌های گذشته مستحکم‌تر شده است. به‌طوری‌که طی دهه‌های گذشته شاهد رشد روزافزون منازعات بر سر دستیابی به منابع طبیعی بوده‌ایم. همچنین پس از پایان جنگ سرد میزان مخاصمات مسلحانه داخلی و غیربین‌المللی افزایش چشمگیری داشته است. از طرفی به‌نظر می‌رسد مخاصماتی که از طریق منابع طبیعی تأمین مالی می‌شوند، معمولاً شدت بیشتری

دارند و زمان طولانی‌تری نیز به طول می‌انجامد؛ امکان دستیابی به یک صلح پایدار نیز در این‌گونه مخاصمات بعید به نظر می‌رسد (Stahn, 2017:143). یکی از نمونه‌های اخیر تأثیر وقوع مخاصمات بر منابع طبیعی را می‌توان در جنگ خلیج فارس مشاهده کرد که طی آن چاه‌های نفتی کویت به آتش کشیده شدند و میلیون‌ها تن نفت خام وارد آبراهه‌ها شد. البته در این مورد رابطه‌ای متقابل میان منابع طبیعی و مخاصمه مشاهده می‌شود که همزمان مخاصمه موجب آسیب به منابع طبیعی شده و منابع طبیعی خود به عنوان یک سلاح کشتار جمعی استفاده شده است (Halle, 2009: 15).

منابع طبیعی و مخاصمات مسلحانه با یکدیگر ارتباطی پیچیده و چندوجهی دارند. اما شاید بتوان ارتباطی سه‌گانه میان این دو متصور بود: منازعه بر سر منابع طبیعی و آغاز مخاصمه، تأمین هزینه‌های مالی جنگ و به تعویق افتادن روند صلح.

۱.۴. منازعه بر سر منابع طبیعی و آغاز مخاصمه

عدم استفاده پایدار از منابع طبیعی و تقسیم منافع مرتبط با آن، بسیاری از کشورها را با چالش‌هایی جدی برای توسعه مواجه کرده است. به‌طور معمول مبنای وقوع منازعه در این موارد تضاد منافع بر سر منابع طبیعی موجود است. در برخی موارد این تضاد منافع ماحصل توانایی ناکافی کشورها در حکومت‌داری و وجود ضعف‌های نهادی، حقوقی و سیاسی در بدنه دولت‌هاست که به نارضایتی عده‌ای از افراد و بروز درگیری و درنهایت وقوع مخاصمه منجر می‌شود (Halle, 2009: 8). تغییر اقلیم نیز ممکن است سبب بروز مخاصمات مسلحانه بشود. رقابت بر سر توزیع منابع موجود از جمله زمین قابل کشت، منابع آب شیرین و سایر منابع می‌تواند زمینه‌ساز بروز یک مخاصمه مسلحانه باشد. به‌دلیل آب شدن یخ‌های قطبی و امکان دسترسی به آبراهه‌ها و منابع جدید، نحوه بهره‌برداری از این منابع ممکن است با چالش‌ها و مخاصمات بین‌المللی در آینده مواجه شود. همچنین بر اثر تغییر اقلیم ممکن است تخریب محیط زیست و نابودی زمین‌های قابل کشت و حتی مرگ افراد روی دهد که هریک از این موارد می‌توانند به‌تنهایی زمینه‌ساز بروز یک مخاصمه مسلحانه باشند (Christiansen, 2015: 1). هیأت بین‌دولتی تغییر اقلیم (IPCC)^۱، وجود ارتباط احتمالی میان تغییر اقلیم و مخاصمات را تأیید می‌کند و معتقد است تغییر اقلیم می‌تواند از طریق محرک‌های مهم شروع یک مخاصمه از جمله فقر یا شوک‌های اقتصادی سرعت بروز یک مخاصمه مسلحانه را افزایش دهد. در این گزارش به تأثیر غیرمستقیم تغییر اقلیم بر بروز جنگ و مخاصمه داخلی یا بین‌گروهی اشاره شده است (IPCC, 2014: 20).

همچنین به باور بسیاری از اندیشمندان، کمبود منابع طبیعی در جهان همواره می‌تواند زمینه‌ساز تعرض

1. Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC)

به سایر سرزمین‌ها و استفاده از منابع دیگر کشورها باشد (Jensen & Halle, 2009: 8). تغییر اقلیم نیز ممکن است سبب بروز مخاصمات مسلحانه بشود. رقابت بر سر توزیع منابع موجود از جمله زمین قابل کشت، منابع آب شیرین و سایر منابع می‌تواند زمینه‌ساز بروز یک مخاصمه مسلحانه باشد. به دلیل آب شدن یخ‌های قطبی و امکان دسترسی به آبراهه‌ها و منابع جدید، نحوه بهره‌برداری از این منابع ممکن است با چالش‌ها و مخاصمات بین‌المللی در آینده مواجه شود. همچنین بر اثر تغییر اقلیم ممکن است تخریب محیط زیست و نابودی زمین‌های قابل کشت و حتی مرگ افراد روی دهد که هریک از این موارد می‌توانند به تنهایی زمینه‌ساز بروز یک مخاصمه مسلحانه باشند (Christiansen, 2015: 1). هیأت بین‌دولتی تغییر اقلیم (IPCC)^۱، وجود ارتباط احتمالی میان تغییر اقلیم و مخاصمات را تأیید می‌کند و معتقد است تغییر اقلیم می‌تواند از طریق محرک‌های مهم شروع یک مخاصمه از جمله فقر یا شوک‌های اقتصادی سرعت بروز یک مخاصمه مسلحانه را افزایش دهد. در این گزارش به تأثیر غیرمستقیم تغییر اقلیم بر بروز جنگ و مخاصمه داخلی یا بین‌گروهی اشاره شده است (IPCC, 2014: 20).

با نگاهی اجمالی به پیشینه وقوع مخاصمات مسلحانه می‌توان به نقش برجسته منابع طبیعی در وقوع مخاصمات پی برد؛ از صحنه رقابت بر سر شکار جانوران وحشی در گذشته تا منازعاتی در سرمایه‌گذاری‌های تجاری و جنگ‌های استعماری بر سر مواد معدنی گرانبها همواره ردپای منابع طبیعی مشاهده شده است (Le Billon, 2001: 562). طی دهه‌های گذشته نیز میان بروز یک مخاصمه و دستیابی به منابع طبیعی ارتباطی معنادار ایجاد شده است. پس از پایان جنگ سرد و با کاهش کمک‌های مالی دول خارجی به گروه‌های شبه‌نظامی، شکل جدیدی از اقتصاد سیاسی جنگ شکل گرفت که برآیند وابستگی بیشتر این گروه‌ها به سایر منابع مالی از جمله منابع طبیعی برای تأمین مخارج فعالیت‌های نظامی و سیاسی این گروه‌ها بوده است (Berdal & Keen, 1997: 795).

۲.۴. تأمین هزینه‌های مالی جنگ

علاوه بر ایفای نقشی کلیدی در بروز منازعات و درگیری‌های مسلحانه، منابع طبیعی در تداوم و پایداری مخاصمات مسلحانه نیز تأثیر چشمگیری دارند. با نظر به این واقعیت که راه‌اندازی جنگ برای دولت‌ها و گروه‌های شبه‌نظامی مستلزم صرف هزینه‌هایی گزاف است، چاره‌اندیشی این گروه‌ها و دولت‌ها برای تأمین مالی جنگ به بهره‌برداری و خرید و فروش غیرقانونی منابع طبیعی منجر شده است. منابع طبیعی با ارزش اقتصادی بالا، نقشی بالقوه در تأمین مالی هزینه‌های مخاصمه و تهیه سلاح جنگی دارند. دسترسی به این منابع می‌تواند برای تداوم یک مخاصمه مسلحانه توسط گروه‌های مسلح معارض شرایط

1. Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC)

مالی خوبی را فراهم کند. طی بیست سال گذشته منابع طبیعی چون الماس، الوار، مواد معدنی و شکلات برای تداوم هزینه‌های جنگ توسط گروه‌های مسلح معارض در کشورهایی چون لیبیا، سیرالئون، آنگولا و کامبوج مورد بهره‌برداری غیرقانونی قرار گرفتند (Halle, 2009: 11).^۱ در افغانستان که طی سی سال گذشته جنگ‌های داخلی و بین‌المللی بسیاری را تجربه کرده است، در اثر ناامنی و عدم وجود نظارت کافی دولت بر منابع جنگلی کشور، گروه‌های شورشی از جمله طالبان و داعش به درختان جنگلی افغانستان دستبرد زده و به‌عنوان منبع درآمد برای تأمین مخارج خود، این درختان را قطع کردند و به فروش رساندند. همچنین طالبان برای تأمین سلاح اقدام به گسترش زمین‌های کشت خشکاش و فروش معادن لاجورد کردند (پایگاه خبری میزان، ۱۳۹۴: بند دوم).

بر خلاف تلقی عمومی که وجود منابع طبیعی فراوان در یک سرزمین می‌تواند به رشد اقتصادی کمک کند و زمینه‌ساز ثبات سیاسی باشد، شواهد موجود حاکی از آن است که کشورهایی که از نظر اقتصادی به صادرات کالاهای اولیه و باارزش خود از جمله نفت و گاز و سنگ‌های قیمتی وابسته‌اند، دچار نفرین وفور منابع گرانبها هستند و در معرض خطر بی‌ثباتی سیاسی و منازعات مسلحانه بیشتری قرار دارند (Le Billon, 2001: 562). الماس‌های آغشته به خون آنگولا، ساحل عاج، جمهوری دموکراتیک کنگو، لیبیا و سیرالئون و منازعه چوب میان لیبیا و کامبوج مثال‌هایی از این دست هستند (Dam-de Jong, 2009: 27). البته چنانکه بیان شد، بهره‌برداری غیرقانونی از منابع طبیعی در مخاصمات مسلحانه پدیده‌ای جدید نیست و نمی‌توان آن را تنها مرتبط با مخاصمات مسلحانه بین‌المللی دانست. در طول دو دهه گذشته، این مسئله به‌ویژه برای گروه‌های مسلح غیردولتی بیشتر بروز داشته است. حرص و طمع دسترسی به منابع ارزشمند در بسیاری موارد گروه‌های معارض داخلی را به‌سوی تداوم جنگ و مخاصمه سوق داده و چه‌بسا انگیزه‌های اقتصادی سبب طولانی‌تر شدن مخاصمات مسلحانه شده است (Halle, 2009: 11).

۳.۴. به تعویق افتادن روند صلح

پس از پایان جنگ سرد تاکنون، علاوه بر شمار روزافزون مخاصمات مسلحانه بر سر منابع طبیعی و افزایش تعداد مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، ماهیت و منابع تأمین مالی مخاصمات مسلحانه نیز دچار دگرگونی زیادی شده است. در بسیاری وضعیت‌های جنگی، منبع تأمین مالی مخاصمات از حمایت توسط قدرت‌های جنگ سرد در جنگ‌های نیابتی به منافع حاصل از تجارت و فروش منابع طبیعی تغییر یافته است؛ به‌طوری‌که منابع طبیعی در هدایت و تأمین مالی مخاصمات نقش پررنگ‌تری ایفا کرده‌اند. مواردی چون

۱. برای مشاهده فهرست دقیق مخاصمات داخلی و تأمین مالی آنها از طریق تجارت و فروش منابع طبیعی. رک: گزارش سال ۲۰۰۹ یونپ در <https://wedocs.unep.org/handle/20.500.11822/7867>

مخاصمات مسلحانه در کامبوج، سیرالئون، لیبیا و جمهوری دموکراتیک کنگو از این جمله‌اند که در آنها تأمین مالی جنگ از طریق بهره‌برداری و غارت منابع طبیعی صورت پذیرفته است (Dam-De Jong, 1: 2015). همچنین وجود منابع طبیعی قابل استحصال سبب طولانی و مخرب‌تر شدن مخاصمات می‌شود؛ تداوم یک مخاصمه نیز موجب تضعیف قواعد و مقررات ناظر بر مخاصمات و کاهش امکان ایجاد صلح پایدار می‌شود. اظهارات رئیس شورای امنیت در سال ۲۰۰۷ میلادی مبنی بر آنکه «در وضعیت‌های خاص مخاصمات مسلحانه، بهره‌برداری، قاچاق و تجارت غیرقانونی منابع طبیعی در مناطق درگیری نقش مهمی در وقوع، شدیدتر شدن و ادامه جنگ داشته‌اند»، نیز مؤید این مطلب است (Stahn, 2017: 143).

انگیزه‌های سودجویانه و اقتصادی حاصل از وجود منابع طبیعی ارزشمند، می‌تواند دست‌آویزی برای به تعویق انداختن صلح باشد. اگر برآیند صلح، کوتاه شدن دست ستیزه‌جویان از منابع طبیعی و سود شایان ملاحظه آن باشد، بدیهی است این عده در روند دستیابی به یک صلح پایدار کارشکنی کنند. همچنین حرص و طمع کسب میزان بیشتری از سهم منابع طبیعی باارزش یک سرزمین می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد شکاف سیاسی و عدم حصول توافق صلح باشد. تحلیل اولیه یافته‌های مربوط به مخاصمات بین‌دولتی نشان می‌دهد طی شصت سال گذشته، منازعات مرتبط با منابع طبیعی در پنج سال اول، امکان دوبرابری تبدیل به یک مخاصمه را دارند (Halle, 2009: 11).

۵. سازوکارهای حقوقی بین‌المللی مقابله با غارت منابع طبیعی

پدیده غارت منابع طبیعی، امروزه به یکی از ویژگی‌های رایج مخاصمات مسلحانه بدل شده است. این پدیده که یکی از تهدیدات جدی علیه محیط زیست در صحنه داخلی کشورهای درگیر نبرد مسلحانه و در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شود، طی سال‌های اخیر ابعاد تازه‌تری به خود گرفته است (UNEP, 31: 2009). اگرچه حقوق بین‌الملل نیز در راستای مقابله با تاراج منابع طبیعی حین و پس از مخاصمه مسلحانه، ظرفیت و قابلیت‌های شایان ذکری را به نمایش گذاشته است، اما در عمل با توجه به ساختار غیرمتمرکز و ماهیت متکثر حقوق بین‌الملل نمی‌توان وجود سازوکارهای نهادی و حقوقی منسجمی را برای پاسخگویی به چالش‌های موجود در این زمینه انتظار داشت. حقوق بین‌الملل در حال حاضر با نوعی تورم در هنجارها، رژیم‌های حقوقی، نهادها و حتی تورم در تابعانش روبه‌روست که آن را با خطر تشتت و عدم انسجام مواجه کرده است (رامین‌نیا و ناظریان، ۱۳۹۹: ۵-۶۴).

نگاهی به پیشینه مخاصمات دوران باستان نشان می‌دهد «غارت» حق مسلم برای طرف پیروز در جنگ محسوب می‌شد. از عهد باستان تا قرون وسطی، غارت همان تحصیل غنائم جنگی بود و مشروعیت داشت؛ البته شرایطی چون آشوب‌های داخلی در زمره آن قرار نمی‌گرفتند. در مقررات حقوق روم نیز تاراج در

جنگ دارای مقبولیت بود، اما ربایش اموال به صورت فردی از تعریف غارت خارج بود و گاهی مجازات مرگ برای آن در نظر گرفته می شد. در قرون وسطی غارت کارکردی چندگانه داشت: به عنوان سلاح برای آسیب رساندن به اموال دشمن و تداوم حضور ارتش در سرزمین خارجی برای تأمین هزینه ها، پرداخت به سربازان و کنترل بیشتر بر مواضع اطراف. در نوشتار گروسیوس^۱ در قرن هفدهم میلادی غارت و چپاول در حقوق جنگ مورد پذیرش بود و تنها برای طرف دیگر جنگ و نه کشور ثالث تحت عناوینی چون «مابه‌ازای بدهی» یا «مجازات معقول» مجاز شمرده می شد (Stahn, 2017:147-8).

همزمان با ظهور فیلسوفانی چون جان لاک^۲ در سده هفدهم که حق قوای پیروز در تحصیل غنائم جنگی را به چالش کشیدند، تغییراتی جزئی در این تفکر شایان ملاحظه است. اما تحول واضح تر نسبت به مسئله غارت و آغاز جرم‌انگاری آن تا پیش از قرن نوزدهم و تصریح ممنوعیت غارت در کد لیب^۳ روی نداد. در ماده ۴۴ این مقررات آمده است هرگونه غارت یا یغماگری حتی پس از تصاحب یک سرزمین توسط قوای اصلی ممنوع است. این جرائم مشمول مجازات مرگ، یا هر مجازات متناسب دیگر براساس میزان جرم هستند (Lieber Code, 1863:Art.44). کد لیب اولین مقررات مربوط به جنگ را در طول جنگ‌های داخلی آمریکا پایه‌گذاری کرد؛ این مجموعه مقررات، به تدریج در سطح جهانی صورت عرفی به خود گرفته و از جمله مقررات اولیه در زمینه مخاصمات مسلحانه محسوب می شود. غارت فراگیر و نظام مند جنگ جهانی دوم، بر لزوم تأکید مجدد بر ممنوعیت غارت در حقوق بین الملل صحنه گذاشت. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل الحاقی دوم به آنها می توان ممنوعیت غارت را مشاهده کرد.

۵.۱. حقوق بشردوستانه ناظر بر غارت منابع طبیعی

حقوق بین الملل بشردوستانه که یکی از مهم ترین ابزارهای حقوقی بین المللی مقابله با جرم غارت منابع طبیعی است، در همان مقررات اولیه خود بر لزوم ممنوعیت غارت تأکید ورزیده است. مقررات ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه که یکی از قدیمی ترین مقررات در زمینه حقوق بشردوستانه بین المللی محسوب می شوند و کنوانسیون‌های نهم و دهم لاهه نیز بر ممنوعیت غارت تأکید دارند و آن را جرم می شمردند. همچنین کنوانسیون چهارم لاهه مقرراتی مبنی بر ممنوعیت غارت منابع طبیعی در مرزهای دشمن دارد. ماده ۲۸ مقررات لاهه ممنوعیت هرگونه غارت شهرها یا سایر مکان‌ها را بیان می دارد؛ حتی اگر این مکان‌ها از طریق حمله به مواضع دشمن حاصل شده باشند (Hague Regulations, 1907: Art. 28). ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم ژنو نیز به طور مستقیم به موضوع غارت پرداخته و بر ممنوعیت غارت تأکید می کند.

1. Grotius

2. John Locke

3. Lieber Code

ماده ۵۳ این کنوانسیون که مربوط به حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ است، هرگونه تخریب اموال عمومی یا خصوصی را توسط نیروهای اشغالگر در زمان اشغال مگر در شرایطی که ضرورت نظامی ایجاب کند، ممنوع دانسته است. در این ماده اموال به صورت کلی ذکر شده‌اند و منابع طبیعی مناطق زیر کشت، منابع آبی و غیره را نیز در برمی‌گیرند (Geneva Convention IV, 1949: Art. 53). ماده ۵۴ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو که ناظر بر حمایت از اموالی است که وجود آن برای حیات افراد غیرنظامی ضروری است، بر ممنوعیت حمله، تخریب یا از بین بردن اموال ضروری برای حیات جمعیت غیرنظامی چون زمین‌های کشاورزی و منابع آبی تأکید دارد. با تفسیری موسع از این ماده می‌توان تخریب منابع طبیعی مورد نیاز برای حیات افراد غیرنظامی را نیز مشمول ممنوعیت ذکرشده در این ماده به‌شمار آورد (Additional Protocol I to the Geneva Conventions, 1977: Art. 54). ماده ۳۵ پروتکل الحاقی اول نیز به محدود نبودن شیوه‌ها و ابزارهای جنگی اشاره دارد و هرگونه استفاده از ابزار و شیوه‌های جنگی که سبب تخریب گسترده، طولانی‌مدت و شدید بشود را ممنوع دانسته است (Additional Protocol I to the Geneva Conventions, 1977: Art. 35).

اگرچه باید خاطرنشان کرد اولین هدف حقوق بشردوستانه حمایت از افراد است و نمی‌توان برای حمایت از محیط زیست و منابع طبیعی مقررات چندان شایان توجهی یافت، اما با تفسیر موسع از این مواد می‌توان آن را در دسته اموال عمومی تلقی کرد و محیط زیست را نیز مشمول برخی مقررات مربوط به حمایت از اموال در مخاصمات و پس از آن دانست.

۵.۲. حقوق بشر ناظر بر غارت منابع طبیعی

با اینکه در طول مخاصمات مسلحانه همواره حقوق بشردوستانه قابل اجراست، اما این به معنای عدم اعمال سایر مقررات حقوق بین‌الملل از جمله قواعد حقوق بشری نیست. در واقع بسیاری از قواعد حقوق بشری نیز در زمان یک مخاصمه مسلحانه قابلیت اعمال دارند. اگرچه نمی‌توان مقررات مشخصی در زمینه غارت منابع طبیعی یافت، اما تعدادی از اصول، ابزارها و اعلامیه‌های بین‌المللی حقوق بشری را می‌توان نام برد که با حمایت از منابع طبیعی در مناطق درگیر مخاصمات مسلحانه ارتباطی غیرمستقیم دارند. حق بر تمتع و استیفا از دارایی‌ها و تملکات در حقوق بشر از جمله قواعدی است که بر ممنوعیت غارت تأکید دارد. حتی در مواردی با توجه به شرایط و احوال جمعیت غیرنظامی می‌توان حق بر غذا، آب، شغل و سلامتی را نیز در این زمینه قابل اجرا دانست (Murray, 2016: 160). همچنین می‌توان به اسناد بنیادین حقوق بشری چون ماده ۱۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر رجوع کرد که در آن آمده است: «۱. هر انسانی به‌تنهایی یا با شراکت دیگران حق مالکیت دارد؛ ۲. هیچ‌کس را نباید خودسرانه

از حق مالکیت خویش محروم کرد» (Universal Declaration of Human Rights, 1948: Art. 17). ماده ۳ این اعلامیه بر حق‌هایی چون آزادی، امنیت و حق بر حیات تأکید دارد و حق بر استانداردهای کافی برای زندگی نیز در ماده ۲۵ این اعلامیه مورد تأکید قرار گرفته است (UDHR, 25, Art. 3, 1948). غارت منابع طبیعی در یک منطقه درگیر مخاصمه می‌تواند کیفیت این حق‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. به‌طور مثال غارت می‌تواند موجب قحطی و کمبود منابع ضروری چون غذا، آب و سرپناه بشود. در ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی که در سال ۱۹۶۶ به اجرا درآمد نیز حق بر استانداردهای کافی برای زندگی و حق بر غذا مورد تأکید قرار گرفته است (ICESCR, 11, Art. 1966). غارت منابع طبیعی می‌تواند این حق را نیز مورد خدشه قرار دهد، چراکه سبب کاهش منابع مورد نیاز برای تأمین حداقل استانداردها برای افراد می‌شود. اعلامیه کنفرانس حفاظت از محیط زیست انسانی که به اعلامیه استکهلم معروف است نیز به ارتباط بین حفاظت از محیط زیست و برخورداری از حقوق بشری اشاره دارد و تأکید می‌کند محیط زیست باید برای استفاده نسل‌های آینده حفظ شود. همچنین می‌توان به «اصول راهنمای سازمان ملل متحد راجع به تجارت و حقوق بشر» اشاره کرد که اگرچه تأکید اولیه آن بر تجارت و کسب‌وکار است، اما بر تعهدات کشورها مبنی بر رعایت حقوق بشر مرتبط با تجارت منابع طبیعی نیز صحنه می‌گذارد (UN Guiding Principles on Business and Human Rights, 2011: 10). اصل ۱ اعلامیه «حق بر توسعه سازمان ملل متحد» نیز حق بر توسعه را به رسمیت می‌شناسد و آن را از حقوق بنیادین انسان‌ها برمی‌شمرد.

بدیهی است هیچ‌یک از اسناد حقوق بشری اشاره‌شده به‌صورت مستقیم به موضوع غارت منابع طبیعی نپرداخته‌اند، اما چارچوب حمایتی حقوق بشری برآمده از این اسناد می‌تواند سازوکار کلی‌تری برای حفظ محیط زیست و منابع طبیعی در جهت حفاظت از حقوق انسان‌ها ارائه دهد.

۵.۳. حقوق بین‌الملل کیفری ناظر بر غارت منابع طبیعی

در حقوق بین‌الملل کیفری از جمله در دیوان کیفری بین‌المللی، محاکم ویژه کیفری چون دادگاه ویژه سیرالئون، دادگاه ویژه عراق، دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا و دادگاه ویژه یوگسلاوی سابق نیز شاهد ممنوعیت بر غارت منابع طبیعی بوده‌ایم. در منشور محکمه نظامی بین‌المللی نورمبرگ، چپاول هرگونه اموال عمومی و خصوصی ممنوع اعلام شده است (Nuremberg Tribunal Charter, 1945: Art. 6). اساسنامه رم نیز چنانکه پیشتر شرح آن آمد، غارت را در زمره جرائم جنگی تلقی می‌کند (ICC Statute, 8, Art. 2002). اساسنامه یکی از مصادیق جنایت جنگی را حملات عمدی به محیط زیست و تخریب گسترده، طولانی‌مدت و شدید محیط زیست ذکر می‌کند. به‌کارگیری شیوه‌ها یا ابزار جنگی برای آسیب گسترده، طولانی‌مدت و شدید نیز مشمول جنایات جنگی شناخته شده‌اند (Rome Statute of the

((International Criminal Court, 2002: Art. 8(2)(b)(iv)& 8(2)(e)(iv)). باید توجه داشت تنها در صورتی جنایت جنگی محقق می‌شود که حائز این سه شرط آثار گسترده، طولانی‌مدت و شدید باشد که در این صورت ممکن است برخی دیگر از موارد غارت از شمول این مواد اساسنامه خارج شوند. در نهایت تا سال ۲۰۱۵ میلادی در دستورالعمل‌های نظامی دست‌کم ۴۸ کشور جهان، در قوانین داخلی ۹۲ کشور و در حقوق موضوعه ۱۲ کشور این ممنوعیت به‌وضوح ذکر شده است. در حال حاضر در مقررات عرفی حقوق بین‌الملل این ممنوعیت مورد پذیرش قرار گرفته است (Stahn, 2017: 148).

۵.۴. سایر قواعد بین‌المللی ناظر بر غارت منابع طبیعی

از منابع حقوق محیط زیست می‌توان به اصول مندرج در اعلامیه ریو در این زمینه اشاره‌ای مختصر داشت. اصل ۲۴ بیانیه ۱۹۹۲ ریو در خصوص محیط زیست توسعه بیان می‌کند: «جنگ فی‌نفسه عرصه نابودی توسعه پایدار است. دولت‌ها باید به مقررات بین‌المللی ناظر بر حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه احترام بگذارند و در مواقع لزوم برای توسعه بیشتر آن تشریک مساعی ورزند». در اصل ۲۵ بیانیه ریو آمده است: «صلح، توسعه و حمایت از محیط زیست وابسته به یکدیگر و تفکیک‌ناپذیرند». اصل ۲۶ نیز اشعار می‌دارد: «تمامی اختلافات دولت‌ها در زمینه زیست‌محیطی باید از طرق مسالمت‌آمیز و به‌کارگیری روش‌های مطلوب و مطابق با منشور ملل متحد حل‌وفصل شوند» (Rio Declaration, 1992: Principles 24-26).

در بسیاری از قطعنامه‌های شورای امنیت نیز به مسئله تأمین مالی مخاصمات از طریق بهره‌برداری از منابع طبیعی پرداخته شده است؛ به‌طوری‌که تا سال ۲۰۱۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد در مجموع ۲۴۲ قطعنامه در زمینه منابع طبیعی صادر کرده است. البته باید خاطرنشان کرد قطعنامه‌های این شورا در این باره بیشتر ناظر بر بحث صلح و امنیت بین‌المللی هستند تا در جهت حفظ و حمایت از منابع طبیعی. این قطعنامه‌ها را می‌توان اقدامات بر اساس فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد تلقی کرد تا رژیم‌های خاص حمایتی برای حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی. به‌طور مثال، قطعنامه شماره ۱۶۲۵ شورای امنیت تنها به «عزم خود برای اقدام علیه بهره‌برداری و قاچاق غیرقانونی منابع طبیعی و کالاهای با ارزش در مناطقی که به شیوع، تشدید یا ادامه مخاصمات مسلحانه کمک می‌کند»، اشاره دارد (S/RES/1625, 2005).

همچنین دیوان بین‌المللی دادگستری این ممنوعیت را در رأی «عملیات مسلحانه: اعضای نیروهای مسلح اوگاندا در قلمرو جمهوری دموکراتیک کنگو، که در آن اوگاندا به‌صورت بین‌المللی برای چپاول، تاراج، و بهره‌برداری منابع طبیعی کنگو مسئول شناخته شد، مورد پذیرش قرار داد. در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۵

شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز طی قطعنامه ۲۲۵۳ برای مبارزه با منابع مالی داعش از دولت‌ها خواست که از تجارت نامشروع نفت با داعش بپرهیزند.

حقوق بین‌الملل عرفی هم در خصوص حمایت از منابع طبیعی هنگام مخاصمات مقررات شایان توجهی دارد. شایان ذکر است با توجه به بند «الف» ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، عرف که از طریق رویه عمومی دولت‌ها ایجاد شده است، به عنوان منبعی برای حقوق بین‌الملل مورد پذیرش قرار دارد. این همان عبارت «*opinion juris*» یا «اعتقاد حقوقی» است که به حقوق بین‌الملل عرفی تبدیل شده است. حقوق بین‌الملل عرفی باید جنبه عمومی داشته باشد، به این معنی که از گستره جغرافیایی و سازگاری کافی برخوردار باشد (ILC, 2018: Conclusion 8(1)). در زمینه حمایت از محیط زیست طبیعی یکی از نهادهایی که در شکل‌گیری عرف بین‌المللی در زمینه مخاصمات مسلحانه نقشی فعال ایفا کرده است، سازمان صلیب سرخ جهانی^۱ است (Dienelt, 2022: 67). یکی دیگر از نهادهای تأثیرگذار بر حقوق بین‌الملل عرفی در زمینه حمایت از منابع طبیعی در برابر جرم غارت را می‌توان در رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو مشاهده کرد که در آن دیوان اشاره مستقیمی به موضوع غارت داشته و از واژگانی چون غارت، چپاول، استثمار و بهره‌برداری از منابع طبیعی نام برده است (Congo v. Uganda, Judgment, I.C.J. Reports 2005, p.88).

یکی از واپسین تلاش‌ها در زمینه حمایت از محیط زیست و منابع طبیعی در برابر جرم غارت، کار کمیسیون حقوق بین‌الملل در تدوین پیش‌نویس اصول حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه بوده است. طی سال‌های اخیر، کمیسیون پژوهش‌های بی‌شماری انجام داده و از رهگذر هدف اصلی خود و در مسیر تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل این بار به داستان پرتکرار تخریب محیط زیست در مخاصمات مسلحانه پرداخته و سرانجام پس از حدود یک دهه اصول پیش‌نویس حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه را تصویب کرده است. اصل ۱۶ این اصول به‌طور اختصاصی به موضوع غارت منابع طبیعی معطوف شده و بر ممنوعیت آن تأکید ورزیده است. هدف از طرح این اصل در متن پیش‌نویس، تأکید مجدد بر ممنوعیت غارت و تسری این قاعده بر منابع طبیعی و زیستی است (ILC Principles Commentary, 2022: Principle 16). اگرچه مواد این پیش‌نویس از لحاظ حقوقی الزام‌آور نیستند، اما می‌توان آنها را یکی از مهم‌ترین منابع حقوقی اخیر در زمینه قواعد و مقررات مربوط به غارت منابع طبیعی دانست.

۶. نتیجه

پدیده غارت منابع طبیعی در مخاصمات مسلحانه رویداد جدیدی نیست، اما طی سال‌های اخیر شکل جدیدتری به خود گرفته و موجب بروز آسیب‌های جدی به محیط زیست و حیات انسان‌ها شده است. با پیشرفت فناوری‌های نوین و اکتشاف منابع طبیعی باارزشی چون نفت و گاز و سنگ‌های قیمتی و معادن طلا و نقره، وجود رقابت و انگیزه‌های سودجویانه برای دستیابی به این منابع، آغازگر بسیاری از نبردها و مخاصمات قرن حاضر به‌ویژه مخاصمات داخلی و غیربین‌المللی بوده است. باید پذیرفت میان منابع طبیعی و مخاصمات مسلحانه ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد. در این زمینه دو دیدگاه کلی قابل طرح است؛ دیدگاه اول ناظر بر این مسئله است که وجود و وفور منابع طبیعی در یک منطقه می‌تواند سبب بروز یک مخاصمه و تداوم آن شود و روند دستیابی به صلح پایدار را با مخاطره مواجه کند؛ چنانکه برخی محققان حقوق بین‌الملل چون لیبی لان^۱، جنسن و هال^۲ آن را نفرین منابع طبیعی برای یک سرزمین خوانده‌اند. در مقابل و بر اساس دیدگاه دوم، مخاصمات و منابع طبیعی همسو هستند؛ به این معنا که با صیانت بهتر از منابع طبیعی و محیط زیست می‌توان امیدوار بود امکان بروز درگیری و منازعه به کمترین حد خود برسد و هرچه گستره منازعات کمتر شود، انتظار می‌رود منابع طبیعی دچار خسران کمتری شود.

در حقوق بین‌الملل پرداختن به پدیده غارت و جرم‌انگاری آن طی سده‌ها مغفول مانده بود و تنها پس از ظهور قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه موضوع غارت نیز مطرح شد. به‌طوری‌که در موادی از کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی به آنها شاهد شناسایی ممنوعیت غارت بوده‌ایم. شایان ذکر است اولین هدف حقوق بشردوستانه حمایت از افراد است و برای حمایت از محیط زیست و منابع طبیعی مقررات شایان توجهی وجود ندارد؛ اما از آنجا که منابع طبیعی نیز جزء اموال است و در دسته اموال عمومی قرار می‌گیرد، برخی مقررات مربوط به حمایت از اموال در مخاصمات و پس از آن نیز در این مورد قابل اجرا هستند. ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز به موضوع غارت پرداخته و آن را در زمره جنایات جنگی تلقی کرده است. اما شروطی برای تحقق آن در نظر گرفته است که بسیاری از موارد غارت و به‌ویژه موارد مربوط به غارت منابع طبیعی از شمول آن خارج می‌شوند.

یکی از مقررات مترقی در پرداختن به موضوع غارت منابع طبیعی در حقوق بین‌الملل پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه است که در اصل ۱۶ به ممنوعیت غارت پرداخته است. کمیسیون با رویکرد تدوین و توسعه تدریجی قواعد حقوق بین‌الملل در دوره‌ای طولانی به قدمت یک دهه به این مسئله پرداخته و تلاش کرده است تا ممنوعیت غارت و

1. Le Billon

2. Jensen & Halle

به‌ویژه ممنوعیت غارت منابع طبیعی را در حقوق بین‌الملل بازخوانی کند. اما در این تلاش تنها به ذکر ممنوعیت غارت منابع طبیعی بسنده کرده است. به نظر می‌رسد کمیسیون می‌توانست ابتکار عمل بیشتری در تدوین این ماده به کار ببرد، اگرچه در بند ۲ تفسیر این ماده به این نکته اشاره کرده است که غارت نقض آشکار حقوق مخاصمات مسلحانه و جنایت جنگی است. این بند به اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری اشاره دارد که غارت را جنایت جنگی تلقی می‌کند و آن را چه در مخاصمات بین‌المللی و چه غیربین‌المللی قابل پیگرد قانونی می‌داند. اما باید توجه داشت اساسنامه تنها مصادیق محدودی از غارت را مشمول جنایات جنگی تلقی می‌کند و بسیاری از موارد غارت منابع طبیعی در این مقوله نمی‌گنجد.

در نوشتار حاضر تلاش شد تا به پرسش اصلی چپستی مفهوم و ماهیت غارت منابع طبیعی در حقوق مسلحانه پاسخ داده شود و در پی آن پرسش فرعی کارایی یا ناکارایی قواعد و مقررات موجود نیز بررسی شد. با وجود قوانین مترقی و تأثیر این قواعد بر حقوق داخلی کشورها و دستورالعمل‌های نظامی، اما باید گفت حقوق بین‌الملل در این زمینه همچنان نوپا محسوب می‌شود و راه طولانی تا رسیدن به ساختار منسجم حقوقی و نهادی در پیش دارد.

آنچه مسلم است وجود تورم در هنجارها، رژیم‌های حقوقی و نهادها در حقوق بین‌الملل و ماهیت متکثر حقوق بین‌الملل و ساختار غیرمتمرکز آن سبب شده است تا نتوان سازوکارهای نهادی و حقوقی منسجمی برای پاسخگویی به چالش‌های موجود در زمینه غارت منابع طبیعی و آثار سوء مرتبط با آن یافت. اما می‌توان امیدوار بود توجه کمیسیون حقوق بین‌الملل به موضوع و آرای قضایی و کیفری صادره از سوی نهادهای بین‌المللی از جمله دیوان دادگستری بین‌المللی در قضایایی چون جمهوری دموکراتیک کنگو علیه اوگاندا و دادگاه ویژه سیرالئون و دادگاه عراق در آینده سبب ایجاد قواعد و مقررات بین‌المللی، منطقه‌ای و در پی آن مقررات‌گذاری در سطح داخلی کشورها شود و در پرتو اصول مهمی چون اصل تعیین سرنوشت و اصل حاکمیت بتوان این میراث مشترک را به صاحبان اصلی آن و نسل‌های آینده واگذار کرد و از بروز آسیب‌های بیشتر به محیط زیست و حیات انسان جلوگیری به عمل آورد. آنچه به عنوان یک الگوی مطلوب در جهت شناسایی ممنوعیت غارت منابع طبیعی و جبران خسارات ناشی از آن قابل طرح است، ایجاد چارچوب هنجاری جامع و تمرکز نهادی در بستر به‌روزرسانی و تقویت قوانین بین‌المللی و ایجاد الگویی مؤثر برای مقابله با پدیده غارت است. تبیین اصول و معیارهای بنیادین و مدون همراه با همکاری مؤثر میان کشورها نیز می‌تواند چشم‌اندازی روشن برای پر کردن خلأهای حقوقی موجود در این زمینه ترسیم کند.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. کولب، رابرت؛ هاید، ریچارد (۱۳۹۴). *درآمدی بر حقوق مخاصمات مسلحانه*. ترجمه سید حسام‌الدین لسانی، تهران: مجد.
۲. مرما، الیزابت ماروما؛ براش، کارل؛ دایاموند، جوردن (۱۳۹۳). *حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بین‌الملل*. ترجمه سیدعلی حسینی‌آزاد و مهرداد محمدی، تهران: شهر دانش.
۳. ممتاز، جمشید؛ رنجبریان، امیرحسین (۱۳۹۳). *حقوق بین‌الملل بشردوستانه: مخاصمات مسلحانه داخلی*. چ چهارم، تهران: میزان.

ب) مقالات

۴. پیری، حیدر (۱۴۰۲). شرط زیست‌محیطی مارتنس و حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه: با تأکید بر اصول پیش‌نویس ۲۰۱۹ کمیسیون حقوق بین‌الملل، *تحقیقات حقوقی*، ۲۶ (۱۰۲)، ۳۴۹-۳۷۳.
۵. حسینی، محمدرضا (۱۳۹۷). مکانیزم مقابله با منابع مالی گروه‌های تروریستی در پرتو اسناد حقوق بین‌الملل (مطالعه موردی: داعش). *مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، ۸ (۳۲)، ۱۱۳-۱۳۱.
۶. رامین‌نیا، مژگان؛ ناظریان، مهدیه (۱۳۹۷). سیستم‌های خودبسنده، وحدت یا تكثر در حقوق بین‌الملل. *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، معاهده شماره پیاپی ۵-۶۳-۸۵.
۷. عسکری، پوریا (۱۴۰۱). حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه از دیدگاه کمیسیون حقوق بین‌الملل و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ. *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۳۹ (۶۷)، ۱۴۱-۱۶۹.
۸. قلی‌پور، غلامرضا؛ مهرا، نسرين (۱۳۹۹). جنایت اکوساید؛ گذشته، حال و آینده. *پژوهش حقوق کیفری*، ۸ (۳۰)، ۸۱-۴۳.
۹. مؤمنی‌راد، احمد؛ خداپرست، ناصر (۱۳۹۵). تصرف منابع فسیلی از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه. *مطالعات حقوق عمومی*، ۴۶ (۳)، ۵۷۹-۵۷۹.
۱۰. میرعباسی، سیدباقر؛ اقبالی، کیوان (۱۴۰۲). ضرورت محدودسازی حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی در پرتو توسعه پایدار. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۵۳ (۲)، ۵۷۷-۵۷۷.

ب) خبرها

۱۱. پایگاه خبری میزان، بازیابی در ۱۳۹۴/۱۲/۲۸، قابل دسترس در:

<http://www.mizanonline.ir/fa/news/149188>

۲. انگلیسی

A) Books

12. Christiansen, S. M. (2015). *Climate Conflicts - A Case of International Environmental and Humanitarian Law*. Springer International Publishing.
13. Dam-De Jong, D. (2015). *International Law and Governance of Natural Resources in Conflict and Post-Conflict Situations*. Cambridge: Cambridge University Press.
14. Dienelt, A. (2022). *Armed Conflicts and the Environment Complementing the Laws of Armed Conflict with Human Rights Law and International Environmental Law*. Switzerland: Springer.
15. Murray, Daragh(ed) et al. (2016). *Practitioners' Guide to Human Rights Law in Armed Conflict*. Oxford: Oxford University Press.
16. Sassoli, M. (2019). *International Humanitarian Law: Rules, Controversies, and Solutions to Problems Arising in Warfare*. Massachusetts: Edward Elgar Publishing.
17. Stahn, C. et al. (2017). *Environmental Protection and Transitions from Conflict to Peace*. Oxford: Oxford University Press.

B) Articles

18. Berdal, M., & Keen, D. (1997). Violence and Economic Agendass in Civil Wars: Some Policy Implications. *Journal of International Studies*, 26(3), 795-818.
19. Dam-de Jong (2009). International Law and Resource Plunder: The Protection of Natural Resources during Armed Conflict. *Yearbook of International Environmental Law*, 19(1), 27-57, <https://doi.org/10.1093/yiel/19.1.27>.
20. Keenan, P. J. (2014). Conflict Minerals and the Law of Pillage. *Chicago Journal of International Law*: 14(2), Article 6. Available at <https://chicagounbound.uchicago.edu/cjil/vol14/iss2/6>.
21. Le Billon, Philippe (2001). "The political ecology of war: natural resources and armed conflicts", *Political Geography*, Volume 20, Issue 5, Pages 561-584.
22. Lundberg, M. A. (2008). The Plundering of Natural Resources during War: A War Crime(?). *Georgetown Journal of International Law*, 39(3), 495-526.
23. Okowa, Phoebe (2013). "Sovereignty Contests and the Protection of Natural Resources in Conflict Zones", *Current Legal Problems*, Vol. 66, pp. 33-73.
24. Tyagi, Y. (2015). Permanent sovereignty over natural resources. *Cambridge Journal of International and Comparative Law*, 4(3), 588-615.
25. Viko, I. J., et al. (2021). Natural Resources and Armed Conflict in Nigeria: The Legal Perspective. *African Journal of Law and Human Rights*, 5(1), 225-236. HeinOnline.

C) Documents

26. Additional Protocol I to the Geneva Conventions, 1977.
27. African Charter on Human and Peoples' Rights, 1981.
28. Agreement for the Prosecution and Punishment of the Major War Criminals of the European Axis, and Charter of the International Military Tribunal. London, 8 August 1945.
29. Convention (I) for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field. Geneva, 12 August 1949, Commentary of 2016.

30. Convention (IV) relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War. Geneva, 12 August 1949.
31. Convention (IV) respecting the Laws and Customs of War on Land and its annex: Regulations concerning the Laws and Customs of War on Land. The Hague, 18 October 1907.
32. General Assembly Resolution, Recommendations concerning international respect of the right of the peoples and nations to self-determination, A_RES_1314(XIII)-EN, 1958.
33. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 16 December 1966.
34. International Law Commission, Draft principles on protection of the environment in relation to armed conflicts, with commentaries, 2022.
35. International Law Commission (ILC), Draft Conclusions on Identification of Customary International Law, with Commentaries, Report on the Work of its 70th session, 2018.
36. Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC), WGII AR5 Summary for Policymakers, 2014.
37. Instructions for the Government of Armies of the United States in the Field (Lieber Code). 24 April 1863.
38. Montevideo Convention on the Rights and Duties of States, Montevideo, 1933.
39. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts (Protocol II), 1977.
40. Rome Statute of the International Criminal Court (ICC), 2002.
41. Security Council Resolution, S/RES/1625, 14 September 2005.
42. Statute of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, 25 May 1993.
43. United Nations Charter, 1945.
44. United Nations Environment Programme, Protecting the Environment During Armed Conflict, An Inventory and Analysis of International Law. 2009.
45. United Nations Guiding Principles on Business and Human Rights, 2011.
46. Universal Declaration of Human Rights, General Assembly, 1948.

D) Cases

47. Case Concerning Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda), ICJ, Judgement, 19 December 2005.